



فال گیری پادشاهان تیموری هند از دیوان حافظ

جمیل الرحمان*

اکثر مردم هند، چه هندو و چه مسلمان، به علم غیب و همچنین تأثیر حرکت ستارگان و سیارگان بر سرنوشت آدمی اعتقاد راسخ دارند. چنانکه قبل از اقدام به انجام برخی کارها بویژه پرداختن به تجارت جدید و ازدواج به این نوع علوم غریبه روی می آورند. به زبان هندی این اصطلاح را مهورت، شُبّه گهری^۱ و شگون می گویند و در زبان فارسی به آن اُغر یا اُغور گفته می شود. و در میان این افراد، هستند کسانی که حافظ را می شناسند و هنگام برخورد با موقعیتهای مهم از دیوان او فال می گیرند.

"این موضوع به اندازه ای شیوع و شهرت دارد که هر کس بدون استثنا از شاه تا گدا، از غنی تا فقیر، از عارف تا عامی، از پیر تا جوان، علاقه مند و پایبند آن هستند. توگویی اساساً دیوان خواجه برای فال گرفتن ایجاد شده است"^۲.

کسی که می خواهد از دیوان حافظ فال بگیرد، در ابتدا بر روح خواجه حافظ صلوات و سلام می فرستد و می گوید ای خواجه حافظ شیرازی، تو کاشف هر رازی، من طالب یک فالم، بر من نظر اندازی. سپس با نهایت ادب و احترام دیوان حافظ را باز می کند و شروع بخواندن می کند و در میان ابیات مزبور پاسخ خود را می یابد.

* - استادیار فارسی دانشگاه دهلی، دهلی. ۱ - شُبّه گهری به معنی موقع خوب و مناسب.

۲ - خلخالی، سید عبدالرحیم: حافظ نامه، ص ۵۷.

پادشاهان تیموری هند، همایون، اکبر، جهانگیر و عالمگیر هم از دیوان حافظ فال می گرفتند و مطابق فال عمل می کردند. یک نسخه از دیوان حافظ شیرازی در کتابخانه خدا بخش به شماره ۱۵۱ نگهداری می شود که سابق بر این به کتابخانه شاهان مغول تعلق داشت. این نسخه بسیار خوشخط، مذهب است و بر حاشیه آن دستخط همایون و جهانگیر چشم می خورد. یک نسخه خطی دیگر نیز به نام فالهای حافظ شیراز از عنایت خان راسخ در کتابخانه خدا بخش به شماره ۱۷۳۵ نگهداری می شود^۱ که توسط محمد واسع الدین انصاری به خط شکسته نستعلیق کتابت شده است. از ترقیمه این نسخه ظاهر می شود که کتابت آن در حیات مؤلف انجام گرفته است. این نسخه مهری با نام «عبدالحکیم قادری» دارد. این نسخه قبل از ۱۱۹۹ هجری نوشته شده است و مشتمل بر چهارده ورق است. بعد از ورق نهم یک دو ورق و بعد از ورق سیزدهم چند ورق را ندارد.^۲

مؤلف نسخه مذکور عنایت خان راسخ یکی از اشخاص معروف دوره پادشاهان تیموری هند است. او علاقه فراوانی به علوم اجتماعی داشت. درباره تولد او تذکره نگاران خاموش مانده اند، ولی خود او در یکی از تصانیفش با عنوان عنایت نامه (نثر) می نویسد:

«بنده عاصی عنایت خان راسخ بن شمس الدوله لطف الله خان صادق بهادر متهور جنگ در این سن عبرت آگین خود که سنه یک هزار و یکصد و شصت و سه هجری [است]، چهل و نه مرحله از سلک زندگانی طی نموده»^۳.

۱- فهرست نسخه های خطی عربی و فارسی کتابخانه خدا بخش، ج ۱۷، ص ۱۷۵.

۲- عبدالودود، قاضی: فالنامه حافظ شیراز، مرتبه عابد رضا بیدار، اولین شماره کتابخانه خدا بخش، پتنا، ۱۹۷۷ م، ص ۱۱۲.

۳- راسخ، عنایت خان: عنایت نامه نثر (نسخه خطی)، کتابخانه دانشگاه پتنا، شماره ۱۳۱۷، برگ ۱۱ ب، به حواله رساله مغنیان هندوستان بهشت نشان، مرتبه سید علی حیدر، ص ۷.

بنابراین می توان گفت که خان راسخ در سال یک هزار و یکصد و چهارده هجری (۱۱۱۴ ه) تولد یافته است. پدر خان راسخ، شمس الدوله لطف الله خان صادق نیک نام متهور جنگ^۱ و موطنش پانی پت بوده است.^۲ او در سال ۱۰۷۷ ه/۷-۱۶۶۶ م متولد شد و در هشتاد و هشت سالگی در سال ۱۱۶۵ ه/۱۷۵۲ م^۳ و با ماده تاریخ «نواب صادق در بهشت»^۴ در عهد احمد شاه درگذشت.^۵ لطف الله خان صادق از شیخ زاده های پیر هرات، خواجه عبدالله انصاری از نوادگان صحابی معروف ابویوب انصاری بود.^۶ او در عهد محمد شاه به لقب «صادق» سرافراز و به وظیفه خانسامانی مأمور شد و منصب شش هزاری و خطاب شمس الدوله بهادر متهور جنگ یافت. سپس از منصب شش هزاری به منصب هفت هزاری ارتقا یافت.^۷ لطف الله خان صادق شش پسر داشت.^۸

۱- شاکر خان، تاریخ شاکرخانی (نسخه خطی)، موزه ملی پاکستان، کراچی، برگ ۲۱ ب؛ همان نسخه موزه بریتانیا، برگ ۴۰ ب و ۴۱ الف.

۲- شاهنواز خان، نواب مصمص الدوله: مآثر الامراء، ج ۳، ص ۸-۱۷۷.

۳- فهرست نسخه های خطی عربی و فارسی کتابخانه خدا بخش، ج ۳۲، ص ۱۵؛ فهرست نسخه های خطی هندی در کتابخانه ایندیا آفس، ج ۲، ص ۱۲۱۸؛ در رساله ذکر مغنیان هندوستان بهشت نشان، ص ۵، وفات لطف الله خان ۱۸ رمضان المبارک ۱۱۶۶ ه/۲۰ ژوئیه ۱۷۵۳ م نوشته شده است.

۴- تاریخ شاکرخانی (نسخه خطی)، موزه ملی پاکستان، برگ ۲۸ ب؛ موزه بریتانیا، برگ ۵۵ الف.

۵- مآثر الامراء، ج ۳، ص ۸-۱۷۷.

۶- ایک دلچسپ دستاویز (اردو)، نادم سیناپوری، نوای ادب، ص ۳۱.

۷- مآثر الامراء، ج ۳، ص ۸-۱۷۷.

۸- تاریخ شاکرخانی (نسخه خطی)، موزه ملی پاکستان، کراچی، برگ ۵۵ الف؛ همان، موزه بریتانیا

برگ ۹۹ الف. ولی در تحفة الکرام تصنیف میر علی شیر قانع تنوی، تصحیح و تحشیه سید حسام الدین راشدنی، بخش اول از مجلد ۳، مقابل ص ۳۷۷، بنا بر آنچه در سلسله نسب خانوادگی لطف الله خان صادق آمده است، او هفت پسر دارد: بزرگترین آنها عنایت خان راسخ، سپس هدایت الله خان، فاخر خان، شاکر خان، ابراهیم خان، ناصر خان و هفتمین پسر او جمیل الدین خان است.

از فرزندان او عنایت خان راسخ و شاکر خان ترقی بسیار کردند. آنها هر دو به تصنیف و تألیف علاقه داشتند. عموزاده عنایت خان راسخ، محمد علی خان انصاری پسر هدایت‌الله خان هم صاحب تصنیف تاریخ مظفری و بحرالمرآة است.^۱

تصانیف عنایت خان راسخ به شرح زیر است:

۱- رساله معنیان هندوستان بهشت نشان.

۲- عنایت‌نامه (نثر) یا رقعات عنایت خانی.

۳- عنایت‌نامه (منظوم).

۴- فالهای حافظ شیراز.

بعضی از فالهایی که در نسخه فالهای حافظ شیراز از عنایت خان راسخ آمده است، به شرح زیر است:^۲

"حضرت جنت مکانی جهانگیر بادشاه که در ایام بادشاهزادگی معروف به سلطان سلیم بودند، بنابر بعض عوارض از والد ماجد خود انحراف ورزیده در اله آباد می‌گذرانیدند. حضرت عرش آشیانی به مقتضای شفقت یعقوبی مکرر از شوق مواصلت مرقوم فرمود... سلطان سلیم بنابر خلجانی که از تذبذب به خاطر بود تفأول به دیوان خواجه حافظ نمودند غزلی که سه بیت از آن در این جا ثبت شده و شعر ثالث بیت الفال است، برآمد:

چرا نه در پی عزم دیار خود باشم چرا نه خاک کف پای یار خود باشم
 زمحرمان سراپرده وصال شوم زبندگان خداوندگار خود باشم
 غم غربی و غربت چو بر نمی‌تابم به شهر خود روم و شهر یار خود باشم

۱- فهرست نسخه‌های خطی عربی و فارسی کتابخانه خدا بخش، ج ۷، ص ۲۰.

۲- فالنامه حافظ شیراز، قاضی عبدالودود، مرتبه عابد رضا بیدار، اولین شماره کتابخانه خدا بخش،

پنجا، ۱۹۷۷ م، ص ۱۱۲.

... به منزل مهابت خان زمان بیگ که به سبب شوخی که از او سرزده بود از جناب جنت مکانی جدایی گزیده خود را به خدمت شاهجهان رسانیده بود، رفته این حقیقت را ظاهر ساخت و او فی الفور سوار شده به ملازمت ایشان آورد. گویند در این وقت شاهجهان به سیر دیوان سخنور سحر پرداز خواجه حافظ شیراز اشتغال داشتند. بعد وقوف بر این ماجرا نظر به بی‌سامانی خود که شکسته حال و بال محض شده بودند و خیره سری و خود رأیی خانجهان لودی که به غرور حشمت و جاه و وفور حشم و سپاه خود را سنگ راه ایشان می‌شمرد و آن یوسف مصر سلطنت به چاه تأمل و تفکر فرورفت... تفأول به لسان الغیب نمود، قصیده‌ای [که پاره از آن ایراد یافته در اول صفحه یمین برآمد، موجب تأکید در جزم عزم و عزم جزم گردید:

شد عرصه زمین چو بساط ارم جوان

از پرتو سعادت شاه جهان ستان

خاقان شرق و غرب که در شرق و غرب اوست

صاحبقران خسرو و شاه خدایگان

دارای دهر شاه شجاع آفتاب ملک

خاقان کامگار و شهنشاه نوجوان...

سبحان الله در حقیقت لسان الغیب نظم این کلام معجز نظام به حسب حال و مآل آن شاه جهان عزوجل که اشاره خیر و برکت و اجازه عزیمت و حرکت و بشارت تسلط و استیلا برآمده و ذکر اسمای اولاد موجود و تسمیه احفاد که بعد از آن به شهود آمده از آن مستنبط و مستفاد می‌شود بیشتر فرمود، آری:

مردان خدا، خدا نباشند لیکن ز خدا جدا نباشند

... آنکه هفتم ذی الحجه سال هزار شصت و هفت هجری مرضی بر پیکر مقدس و عنصر همایون اعلی حضرت طاری شد، مزاج از منهج صحت و قاتون اعتدال که مناظر سلامت احوال و استقامت افعال است، منحرف گشت و چون ایام کوفت استداد یافته، حقیقت قوی روز بروز بتصاعف و اشتداد کشید، انواع قصور و فتور و مأمور ملکمی و مالی بهم رسید و مهین پور سلطنت محمد دارا شکوه که خود را ولیعهد می دانست... حضرت اورنگ زیب عالمگیر را بعد خلاصی یافته رسیدن عیسی بیگ که در دربار جهان مدار به خدمت و کالت خیام داشت و شاه بلند اقبال به صدور جرمی محبوس ساخته بودند و تافتن پرتو آگاهی کماهی بر قضاهای حضور پرنور آتش خشم زیانه کشید. زیاده بر آن شاهد مقصود عشقیه مراد را زیر نقاب فانی و درنگ مخفی و محبوب داشتن خلاف قانون مشورت مهین آئین خرد و صلاح دولت دیده نظر به وفور شوکت و حشمت و کثرت و نهمت و منزلت مهین پور خلافت شاهی پیشرفت کار بر اتفاق برادران کامگار شاه شجاع و محمد مراد بخش که ایالت بنگاله و گجرات داشتند و بیشتر این مراتب تمهید یافته بود گذاشته در باب تصمیم این عزیمت عظیم تفرؤل به دیوان خواجه شیراز نمودند، این بیت برآمد:

حسنّت به اتفاق ملاحظت جهان گرفت آری به اتفاق جهان می توان گرفت
ملخص که آن دو برادر والا قدر از بنگاله و گجرات به ایمان صواب نمای آن
برگزیده جناب کبریا رایات مقاومت و مجادلت برافراشته به روتق فال خواجه آن
زیب اورنگ و سریر به درستی تدبیر موافق تقدیر گوی مراد از میانه اعدای
مادرزاد بود. ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ.

روز جمعه بست و هشتم شهر ذی قعدة سنه یک هزار و یکصد و هزدم که حضرت خلد مکان محمد اورنگ زیب عالمگیر بادشاه غازی دل از این کدورت

سرای فانی برگرفته در جوار رحمت غفار به گلگشت زهتگاه جاودانی انتقال فرمودند، شخصی از نمک پروردهای این دولت ابد طراز تفرؤل به دیوان حافظ شیراز نمود که آیا نوبت سلطنت به کدام یکی از اخلاف آن فخر دودمان اسلاف که هر یک در عالم خود به اوصاف حمیده سروری و صفات پسندیده دادگستری کامل و شامل است رسد، این بیت برآمد:

شاه عالم گنج بخش و نکته دان و تیز فهم

حافظ شیرین کلام و بذله گو حاضر جواب

حقا که حضرت شاه عالم خلد منزل به همین صفات فرخنده سمات گنج معنی و نکته دانی و تیز فهمی و حفظ کلام الهی که سرش لسان الغیب خیردار و اختصاص و اتصاف داشتند. عليهم الرحمة والغفران.

... بناءً عليه عزيزي از اجله که حلقه بندگی سلاله کرام تیموریه در گوش و حاشیه اطاعت دودمان عظام گورکانیه اباعن جد بردوش داشته، مهین استکشاف کرامت نشان که از اخلاف حضرت خلد مکان وجود معظم کدامین پور خلافت اورنگ آرای سلطنت خواهد شد، دیوان خواجه را گشود این بیت که علاوه معنی فال مرقومه الصدر است برآمد:

شاه عالم را بقا و عز و ناز باد وهر چیزی که خواهد زین قبیل

... روز یکشنبه سه هزار و یکصد و بیست و چهار هجری که منجلی جلال رحمت ایزدی خوف اعضای حکمت سرمدی خسرو گیتی پناه خلد منزل شاه عالم بهادر شاه لباس حیات مستعار از برکشیده و دامان تعلقات از شهرستان وجود پندار برچیده به گلگشت زهتگاه جاودانی خرامید، در ماه ربیع الاول سنه مذکور به دارالسلطنت لاهور بنا بر خطبای شریعت مسلوک و روانی و فایز و تقود مسلوک

به نام شاه انجم سپاه محمد معزالدین ابوالفتح غازی جهاندار شاه مانند زر و سیم آفتاب و مهتاب سر مباهات به افلاک کرد و همان سال در عظیم آباد فرحت بنیاد شهید مرحوم همایون نثار برگزیده و دودمان افتخار بادشاه بحر و محمد فرخ سیر خلف الصدق نور... جهانبانی پور حدیقه صاحبقرانی جرعه کش آب تیغ و رضا و تسلیم، سرو خرامنده روضات نعیم سلطان دارانشان محمد عظیم الشان... ظفر پرچم افراخته باب سریر خلافت... را سر بلند و دید به ادعای فرمانروایی... سامع عالم و عالمیان رسید... در استظهار این معنی که کدامین از این دو شاه باز اوج عز و جلال در مرغزار امانی و آمال گیرای صد بخت و اقبال خواهد شد، دیوان معجز بیان لسان الغیب را گشوده این بیت فرخ فال صراحة مشیر نام آن بحر جود و افضال برآمد:

اگر میل دل هر کس بجایبست بود میل دل ما سوی فرخ

فهرست مآخذ و منابع

- ۱- ایک دلچسپ دستاویز (اردو)، نادم سیتاپوری، نوای ادب، بمبئی، آوریل ۱۹۶۳ م.
- ۲- تاریخ شاکرخانی (نسخه خطی)، شاکر خان، موزه بریتانیا، لندن، شماره ۶۵۸۵.
- ۳- تاریخ شاکرخانی (نسخه خطی)، شاکر خان، موزه ملی پاکستان، کراچی، شماره ۱۹۰-۱۹۷۱ N.M.
- ۴- تحفة الکرام، میر علی شیر قانع تنوی، تصحیح و تحشیة سید حسام الدین راشدی، بخش اول، مجلد سوم، سندھی ادبی بورڈ، حیدرآباد، پاکستان، اکتبر ۱۹۷۱ م.
- ۵- حافظنامه، سید عبدالرحیم خلخالی، انتشارات هیرمند، تهران، ۱۳۶۶.
- ۶- رساله مغنیان هندوستان بهشت نشان، عنایت خان راسخ، مرتبه سید علی حیدر، پتنا، ۱۹۶۱ م.
- ۷- عنایتنامه نثر (نسخه خطی)، عنایت خان راسخ، کتابخانه دانشگاه پتنا، پتنا، شماره ۱۳۱۷.

- ۸- فالنامه حافظ شیراز، قاضی عبدالودود، مرتبه عابد رضا بیدار، اولین شماره ژورنال کتابخانه خدا بخش، پتنا، ۱۹۷۷ م.
- ۹- فهرست نسخه های خطی عربی و فارسی کتابخانه خدا بخش، بانکی پور، پتنا، ج ۳۲، ۱۹۸۰ م.
- ۱۰- فهرست نسخه های خطی عربی و فارسی کتابخانه خدا بخش، بانکی پور، پتنا، ج ۱، ۱۹۹۳ م.
- ۱۱- فهرست نسخه های خطی عربی و فارسی کتابخانه خدا بخش، بانکی پور، پتنا، ج ۷، ۱۹۷۷ م.
- ۱۲- فهرست نسخه های خطی هندی کتابخانه ایندیا آفس، جی. اف. بلومهارت، لندن، ۱۹۲۶ م.
- ۱۳- مآثر الامراء، نواب ضمضام الدوله شاهنواز خان، ایشیاتیک سوسائٹی آف بنگال، جلد سوم، ۱۸۹۱ م.

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی